

بررسی و تحلیل جرم قاچاق مشروبات الکلی در رویه قضایی

(تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۰۱/۱۸)

آرمان شهرزولی

چکیده

امروزه تولید و مصرف نوشیدنی‌های الکلی بکرات در فرهنگ‌ها و جوامع مختلف حتی با وجود محدودیت‌های قانونی صورت می‌گیرد. ولی در دین اسلام، مصرف مشروبات الکلی به شدت منع شده و خداوند در قرآن مجید آن را صراحتاً حرام کرده و از گناهان کبیره شمرده است. خرید و فروش و مصرف و همچنین قاچاق مشروبات الکلی می‌تواند منشأ بسیاری از جرایم خشن و اتفاقی نظیر قتل، تجاوزات به عنف، سرقت‌های مسلحانه و غیره باشد و بالطبع، ناهنجاری‌های اجتماعی قابل توجهی را در جامعه به وجود آورد. به همین دلیل در کشور ما که مقرراتش، بر پایه‌ی شریعت اسلام است، خرید، فروش، نوشیدن و به طور کلی جرایم مرتبط با مشروبات الکلی مجازات‌های مختلفی در پی خواهد داشت. در این مقاله علمی قصد داریم به بررسی و تحلیل جرم قاچاق مشروبات الکلی در رویه قضایی پردازیم و آرا وحدت رویه، نظرات مشورتی و احکام صادره از دادگاه‌ها و مراجع قضایی را مورد مذاقه قرار دهیم.

۳۷۷





بخش اول: سیر قانون‌گذاری قاچاق مشروبات الکلی و رویه قضایی آن قبل از انقلاب

قاچاق امروزه در دنیا نقش مهمی در برهم زدن اقتصاد جوامع دارد و دولت‌ها هرکدام به گونه‌ای به اقدام علیه آن می‌اندیشند. قاچاق می‌تواند مسائل سیاسی، اجتماعی و حتی امنیتی جوامع را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. قاچاق به فراخور موضوع آن به دسته‌های مختلفی تقسیم می‌شود که عبارتند از: قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا، قاچاق ارز، قاچاق انسان و قاچاق مشروبات الکلی که مورد اخیر به علت شبهاتی که درباره آن وجود دارد موضوع این مقاله قرار گرفته است. در کشور ما قاچاق مشروبات الکلی از آغاز قانون‌گذاری تا به حال دوران مختلفی را به خود دیده و با رویه‌های مختلفی مواجه گشته که این مسئله سبب تعارضات زیادی میان آراء محاکم شده است و به نوعی موجب سردرگمی قضات و وکلا در این مورد شده است و می‌توان آن را مانعی بر سر راه یک دادرسی عادلانه دانست. در این قسمت به بررسی قوانین مربوط به قاچاق مشروبات الکلی می‌پردازیم و برای آشنایی هرچه بیشتر خوانندگان به سیر قانون‌گذاری در این مورد اشاره می‌کنیم، لهذا در دو دوره قبل و بعد از انقلاب به بیان نظرات قانون‌گذار در این مورد می‌پردازیم. در ابتداء باید متذکر شد که مسئله مشروبات الکلی در قبل از انقلاب یک نکته ظریف در خود دارد و آن این که برخلاف قوانین بعد از انقلاب ما هیچ قانون صریحی در مورد مشروبات الکلی نداریم و همواره مشمول عموماًت قوانین مبارزه با قاچاق کالا بوده است و این مسئله خود معلول یک مهم است و آن این که در زمان رژیم سابق مشروبات الکلی از نقطه نظر قانونی مالیت داشته و این رو همواره قاچاق مشروبات الکلی در زمره سایر مصادیق قاچاق به حساب می‌آمده است و به طر خاص مورد امعان نظر قانون‌گذار واقع نگشته بود، می‌بایست یادآور شد که قبل از انقلاب نه مشمول قوانین خاص در قاچاق بوده است که هم در قانون خاص خود در سال ۱۳۰۷ به آن گشته و هم در قانون قاچاق مصوب ۱۳۱۲ به آن اشاره شده است. حال با این توضیح به بررسی قوانین موجود در آن زمان می‌پردازیم:

بند اول: ماده واحده مصوب ۱۳۰۶/۱۲/۲۲

در این واحده بیان می‌داشت: "مرتکبین قاچاق نسبت به مالی که موضوع عایدات دولت است و هم چنین اشخاصی که اشیا ممنوع الورود را به داخله مملکت وارد می‌نمایند به حبس تادیبی از هشت روز تا دو سال محکوم خواهند شد به علاوه به رد عین یا مثل یا قیمت مال قاچاق شده و اشیا ممنوع الورود محکوم می‌گردند. حبس فوق از قرار روزی یک تومان قابل ابتیاع است. اولین اظهار نظر قانون‌گذار درباره جرم قاچاق است که می‌توان به طور ضمنی نظر مقنن را در مورد قاچاق مشروبات الکلی دریافت، زیرا مشروبات الکلی خود در زمره اموالی قرار داشتند که موضوع درآمد دولت بود.

بند دوم: قانون قاچاق مصوب ۱۳۰۷/۱۲/۱۶

ماده ۱- هر کس در مورد مالی که موضوع عایدات دولت است یا مشتقات آن مرتکب قاچاق شود (اعم از این که عایدات مزبوره بر طبق قانون مخصوص تصویب و یا در ضمن بودجه کل مملکتی صریحاً منظور و تصویب شده باشد) علاوه بر رد مال یا قیمت آن به تادیه دو برابر عایداتی که برای دولت مقرر بوده و به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. در این قانون قانون‌گذار علاوه بر افزایش حداقل حبس از هشت روز به سه ماه، نسبت به تعیین جریمه برای مرتکبین به میزان دو برابر کالای قاچاق شده نیز اقدام نمود.

بند سوم: قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲

ماده ۱- هر کس در مورد مالی که موضوع عایدات دولت است یا مشتقات آن مرتکب قاچاق شود اعم از این که عایدات مزبوره بر طبق قانون مخصوصی تصویب و یا در ضمن بودجه کل مملکتی صریحاً منظور و تصویب شده باشد علاوه بر رد مال و در صورت نبودن عین مال رد قیمت آن به تادیه دو برابر عایداتی که برای دولت مقرر بوده و به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این قانون نیز اشاره خاصی به این جرم نشده و قانون‌گذار حکم خود را که در قانون سال ۱۳۰۷ بیان داشته بود



مجدداً تکرار نمود. و اصلاحیه‌های بعدی آن که در سال‌های ۱۳۱۲، ۱۳۱۵، ۱۳۱۹ و ۱۳۵۳ بر آن وارد شد تغییری را در نگرش قانون‌گذار نسبت به جرم مورد بحث ما نشان نمی‌دهد.

بخش دوم: تشریح قوانین مربوط به قاچاق مشروبات الکلی بعد از انقلاب

پس از انقلاب اسلامی و به تبع آن ضرورت انطباق قوانین با شریعت مقدس اسلام پاره‌ای از قوانین که با فقه اسلامی مطابقت نداشتند مورد بازنگری قانون‌گذار قرار گرفتند؛ از جمله این قوانین قانون مربوط به قاچاق بود که دیرتر از سایر قوانین مورد تجدید نظر واقع شد. باید اذعان نمود که پس از انقلاب و تا سال ۱۳۷۴ که قانون قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب شد، قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ مهم‌ترین رکن قانونی جرم قاچاق محسوب می‌شد و حتی قانون اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۹ و نیز اصلاح ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۱۲ تنها فرعی بر این قانون بودند و در عمل قانون مصوب ۱۳۱۲ نسبت به مرتکبین قاچاق اعمال می‌شد. تا اینکه در سال ۱۳۷۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز به تصویب مجمع تشخیص رسید، که طی آن در مواد دو و سه این قانون مجازات متخلفین معین گشت.

بند اول: اصلاح ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۷۳/۱۱/۱۲

در این اصلاحیه ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ به شرح ذیل اصلاح شد: "ماده ۱- هر کس در مورد مالی که موضوع درآمد دولت بوده مرتکب قاچاق شود علاوه بر رد مال و در صورت نبودن عین مال رد بهای آن، حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به پرداخت جریمه نقدی تا حداکثر پنج برابر معادل قیمت ریالی مال مورد قاچاق و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می‌گردد و در مورد اموال ممنوع ورود و ممنوع الصدور و کالاهای انحصاری علاوه بر مجازات فوق به حبس تعزیری تا دو سال محکوم خواهد شد. تولید الکل و ترکیبات الکلی و نوشابه‌های غیر الکلی و آب میوه به طریق صنعتی در داخل کشور به نحو غیر مجاز یا عرضه آنها برای فروش قبل از این که مالیات



مربوط پرداخت یا ترتیب پرداخت آن داده شده باشد از موارد قاچاق اموال موضوع درآمد دولت محسوب می‌گردد و با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم مرتکب به جزای نقدی حداکثر تا ده برابر درآمدی که برای دولت مقرر می‌باشد محکوم خواهد شد." در این اصلاحیه چند تغییر نسبت به قانون قبل مشاهده می‌شود از جمله: شدت مجازات و نیز تنوع آن بیشتر شد به گونه‌ای که قانون‌گذار علاوه بر ضبط مال، جریمه و حبس گزینه چهارمی را به نام شلاق اضافه نمود. تغییر دوم آن که قانون‌گذار در این اصلاحیه پا را از حدود نام قانون فراتر نهاد و علاوه بر تعیین مجازات برای قاچاق به تولید آن نیز اشاره نمود و برای آن مجازات تعیین نمود.

بند دوم: قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴

به موجب ماده ده این قانون کلیه قوانین پیش از آن در مورد جرم قاچاق نسخ و قانون لاحق جایگزین آنها گردید. در ماده دو این قانون ما به چند موضوع جالب بر می‌خوریم:

الف) جرایم را بر حسب میزان مال مورد قاچاق تفسیم‌بندی نموده و در مواردی که ارزش مال مورد قاچاق از یک میلیون تومان کمتر باشد ادارات دولتی مرتبط تنها به ضبط کالا یا ارز به نفع دولت اکتفاء می‌کنند.

ب) در مواردی که ارزش مال قاچاق شده بیش از یک میلیون تومان باشد، چنانچه متهم در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه باشد با احتساب دو برابر بهای آن بعنوان جزای نقدی نسبت به وصول جریمه و ضبط کالا و ارز به ترتیبی که در آئین‌نامه اجرائی این قانون آمده است اقدام و از تعقیب کیفری متهم از حیث عمل قاچاق و شکایت علیه وی صرف‌نظر می‌شود. در این جا می‌بینیم که قانون‌گذار با عدول از مواضع قبلی خویش در فرض اول مطروحه در ماده دو صرف ضبط مال را کافی دانسته و در فرض دوم نیز در صورت اقدام مرتکب به پرداخت مجازات‌های مقرر در آن ماده از مجازات کیفری مرتکب صرف‌نظر می‌شود. این رویه به نوعی خروج از حالت اعتدال است که قانون‌گذار در اصلاحیه سال ۱۳۷۳





نیز مرتکب آن شد و به تشدید مجازات پرداخت و پس از آن در مدتی نزدیک به یک سال به تسامح و کاهش مجازات روی آورد، که از نظر دکترین حقوقی اقدامی فاقد پشتوانه است. نکته جالب دیگر در این مورد ذکر مدت ۳۰ روزه از جانب قانون‌گذار است که اگر در مدت مذکور دادگاه‌های انقلاب که صالح به رسیدگی هستند اقدامی نکنند، دستگاه کاشف می‌تواند پرونده را گرفته و آن را به محاکم تعزیرات حکومتی ببرد، که این خود استثنایی بر اصول کلی حقوقی در تعیین صلاحیت است زیرا پرونده‌ای را که به دادگاه صالحه داده شده است نمی‌توان از آن گرفت و حتی در صورت پذیرش چنین امری دادن اختیار آن به شکات (که در این جا دوایر دولتی کاشف هستند) با روح قانون‌گذاری اصولی سازگار نیست؛ هرچند که بتوان این گونه توجیه نمود که این امر استثنائی قانونی بر اصل است. البته باید خاطر نشان شد که با توجه به ذیل تبصره دو ماده چهار قانون فوق‌الذکر در مکان‌هایی که دادگاه‌ها انقلاب وجود نداشته باشند صلاحیت رسیدگی با محاکم عمومی است و در صورت نبود آنها با محاکم تعزیرات حکومتی است. و نظریه مذکور بنابر رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۶۷۶-۱۳۸۴/۳/۱۰ به تایید دیوان عالی کشور نیز رسیده است. آخرین نکته‌ای که در این قانون جلب توجه می‌نماید ماده هفت آن است که به بیان نحوه و در صد توزیع عواید حاصل از فروش کالای ضبط شده می‌پردازد، جالب آنکه چگونه مشروبات الکلی را (که طبق ماده ده این قانون که کلیه قوانین قبل از خود را ملغی دانسته و به تبع آن مشروبات الکلی را نیز جزء این قانون محسوب نموده و برای آن مالیت قائل نشده) می‌توان به فروش رساند و به اجرای ماده فوق‌الاشعار پرداخت. زیرا عمده ایراد در این مورد مالیت نداشتن مشروبات الکلی است که در قسمت بعدی مقاله به طور تفصیلی به آن خواهیم پرداخت.

بند سوم: ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵

"ماده ۷۰۳ - هر کس مشروبات الکلی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه

شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دو مورد از آنها محکوم می‌شود." که مصادیق گوناگونی را مطرح نموده که یک مورد آن با بحث ما به طور مستقیم ارتباط دارد:

وارد کردن مشروبات الکلی به کشور که بنابر تعریف قانون از کالای قاچاق از مصادیق قاچاق بوده و اقدام به آن نیز مشمول عنوان قاچاق کالا است. با تصویب این قانون در سال ۱۳۷۵ که پس از قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ می‌باشد بحث‌هایی پیرامون این دو قانون حادث گشت و نیز مباحثی در مورد مرجع صالح به رسیدگی در این موارد به وجود آمد که در ادامه نوشتار حاضر به آن خواهیم پرداخت.

بند چهارم: بند هـ تبصره ۷ قانون بودجه ۱۳۸۶

این قانون که آخرین اراده قانون‌گذار در مورد جرم قاچاق است مواردی را بیان کرده که قابل بحث است:

الف) حذف مجازات‌های مطروحه در این مورد و افزایش میزان جریمه و نیز یکسان‌سازی که تفاوتی میان کالاهای قاچاق شده نمی‌گذارد و همه را مشمول جریمه می‌داند (بر خلاف آنچه که در قانون تعزیرات حکومتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام آماده بود).

ب) تفاوت گذاشتن بین کالاهای ضروری، غیر ضروری و ممنوعه است به طوری که بیان می‌دارد:

۱- کالاهای مورد نیاز و ضروری: در صورت کشف، ضبط مال و جریمه معادل دو برابر قیمت کالا.

۲- کالاهای غیر ضروری: در صورت کشف، ضبط مال و جریمه معادل پنج برابر قیمت کالا.

۳- کالاهای غیر مجاز و ممنوعه (مانند مشروب و غیره): در صورت کشف، انهدام و ضبط مال و جریمه معادل ده برابر قیمت کالا.

در واقع هدف قانون‌گذار به نوعی تسامح در ورود کالاهای ضروری و شدت عمل در مورد ورود کالاهای ممنوعه است. هرچند که شدت عمل ویژه‌ای نیز در رابطه با مشروبات الکلی



مورد امعان نظر قرار داده است. در قانون بودجه سال ۱۳۸۴ جرمیه کلیه مشروبات الکلی مکشوفه براساس هر لیتر حداقل معادل سیصد هزار ریال و یا (۱۰) برابر قیمت جهانی هر لیتر (مشروط به این که از سیصد هزار ریال کمتر نباشد) دریافت و به حساب خزانه واریز خواهد شد. از سوی دیگر در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ آمده است که: در پرونده‌های منجر به صدور حکم محکومیت در مورد قاچاق و فروش مشروبات الکلی علاوه بر جرمیه ده برابر قیمت بین‌المللی، کلیه اماکن و وسایط نقلیه که برای تهیه، حمل و نگهداری، توزیع و فروش مشروبات الکلی و قاچاق از آن استفاده می‌شوند مصادره و درآمد آن پس از فروش به خزانه واریز می‌شود.

بند پنجم: مالیت یا عدم مالیت مشروبات الکلی در قوانین مربوط به قاچاق مشروبات الکلی بعد از انقلاب

در دوره پیش از انقلاب بحثی در مالیت داشتن مشروبات الکلی مطرح نبوده زیرا از دو نقطه نظر قانونی و عرفی این نوع مواد دارای مالیت بوده‌اند لکن پس از انقلاب اسلامی که ضرورت تطبیق قوانین با فقه و شریعت اسلام به میان آمد بحث مالیت مشروبات الکلی مطرح شد که ما این موضوع را به دو دسته تقسیم کرده‌ایم: اول: وضعیت شرعی، دوم: وضعیت عرفی و قانونی.

۱. وضعیت شرعی

در اسلام ما دو فرض برای عدم مالیت داریم ۱. عدم مالیت ذاتی ۲. عدم مالیت عرضی که اکنون به بیان مختصر آنها می‌پردازیم.

الف) اموری که به طور ذاتی مالیت ندارند

این امور چیزهایی هستند که به اندازه زیادی در طبیعت وجود دارند و از ابتدا و قبل از اسلام نیز مالیتی نداشته‌اند و به عنوان یک امر امضائی شارع مقدس نیز برای آنها وضع مالیت نکرد مانند، هوا یا پرنده در آسمان (اگر عادت کرده نباشد) و... این امور مگر در مواقع استثناء مالیت ندارد.

ب) اموری که به طور عرضی مالیت ندارند

امور دیگر اموری هستند که شرع آنها را به علت حرمتی که بر آنها حادث شده است از مالیت انداخته است. این گفته یعنی این که این امور ذاتاً مالیت داشته است و سپس توسط شارع مقدس از مالیت افتاده است مانند: خوک، مسکر (مشروبات الکلی) که هم مورد تحریم شارع قرار گرفتند و هم از مالیت افتادند. ولی باید دانست که این امور ذاتاً مالیت دارند و به علت حرمت از مالیت افتاده‌اند و این امر به علت مفسده‌ای است که در محرمات وجود دارد، در فقه نیز مطرح است. آنجا که یک مسلمان فرض به خوک یک غیر مسلمان ضرر وارد می‌کند یا آن را می‌کشد. در این مورد باید قیمت آن خوک نزد اهلش (کسانی که آن را حلال می‌شمردند) برآورد شود. این امر خود دلیل بر قیمت داشتن آن خوک است. که خود تأییدی بر قیمت عرفی آن کالا نزد اهلش است.

۲. وضعیت عرفی و قانونی

در قوانین پس از انقلاب اظهار نظر صریحی در این مورد صورت نگرفته بود و این امر خود سبب تعارض آراء میان حقوق دانان و قضات محاکم شده بود، که حتی منجر به صدور رای وحدت رویه در سال ۱۳۷۳ شد، لکن براساس ماده ۷۰۳ ق.م. عده‌ای قائل به این نظر شدند که مشروبات الکلی مالیت نداشته تا مشمول قانون قاچاق کالا و ارز باشد و جریمه مورد نظر آن قانون درباره وی اعمال شود تا این که نظر تفسیری مجمع تشخیص در سال ۱۳۸۱ به آن پایان داد و سرانجام در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ به طور صریح برای آن قیمت گذاری شد و البته در بخشنامه‌ای که توسط قوه قضائیه پس از تصویب این قانون صادر شد برای تک تک مشروبات با توجه به نوع آنها اقدام به قیمت گذاری شد. حال ما سه وضعیت را مورد بررسی قرار می‌دهیم

- ۱- قبل از تصویب ماده ۷۰۳ ق.م.ا در سال ۱۳۷۵ ۲- پیش از نظریه تفسیری مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۱ و ۳- پس از قانون بودجه در سال ۱۳۸۶.

الف) وضعیت قبل از تصویب ماده ۷۰۳ ق.م.ا در سال ۱۳۷۵

در این زمان اختلاف نظر زیادی بین محاکم وجود داشت که سبب اصدار رای وحدت رویه ای به شماره ۵۹۵/۱۲/۹ ۱۳۷۳ دیوان عالی کشور گشت که ناشی از دو رای شعب ۳۱ و ۳۴





دیوان عالی کشور بود. شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور در نظریه خود رای شعبه بدوی را در مورد شخصی که به علت قاچاق مشروبات الکلی به جرم محکوم شده بود تأیید نمود؛ لکن شعبه ۳۱ دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۳۱/۷۶۱ مورخ ۱۳۷۳/۸/۲۸ درباره رای شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی اهواز که مرتکب را به جزای نقدی محکوم کرده بود بدین نحو اظهار نظر نمود: "... نظر به این که محکوم علیه به جرائم انتسابی در مراحل تحقیق و مرحله دادرسی اقرار و اعتراف نموده است و سلاح و مهمات مربوطه و مشروبات الکلی از او کشف شده است مجرمیت او ثابت است و اعتراض او موجه نمی‌باشد نهایتاً چون مالیت شراب محل شبهه و تردید است و در نتیجه تعیین جرم بر اساس مشروبات کشف شده بر مبنای قیمتی که برای آن تعیین شده است می‌باشد رای صادره نسبت پرداخت جرمه قاچاق مشروبات صحیح بنظر نرسیده و رای صادره از جهت پرداخت مبلغ ۲۲۱۴۱۵۴۲ ریال جرمه با استناد ماده ۶ قانون تجدیدنظر آراء دادگاه‌ها نقض بلا ارجاع نموده و حکم صادره در سایر موارد چون مستند و مستدل می‌باشد ابرام می‌گردد." در نتیجه با توجه به این تعارض آراء هیات عمومی دیوان عالی کشور بدین نحو اعلام نظر نمود: "چون به موجب ماده ۱ قانون مجازات مرتکبین قاچاق تولید یا ورود یا صدور مشروبات الکلی ممنوع بوده و مرتکبین آن وفق مقررات قانونی مستوجب کیفر هستند و از جمله مجازات مقرر پرداخت جرمه می‌باشد لذا بنظر اکثریت اعضای هیأت عمومی دیوان عالی کشور، مورد با ماده مرقوم انطباق داشته و رأی شعبه ۳۴ دیوان عالی کشور که بر مبنی و اساس این نظر صادر گردیده، موجه تشخیص می‌شود این رأی طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۳۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است." مشاهده می‌شود که دیوان عالی کشور با تعیین جرمه بر نرخ عرفی و پذیرش آن اقدام به حل اختلاف میان محاکم نمود. لکن با تصویب ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی در ۱۳۷۵ رای وحدت رویه ۱۳۷۳ نقض شد که در این مورد نظریه مشورتی شماره ۷/۲۷۰۸-۷۷/۴/۲۲ اداره حقوقی وجود دارد که بیان می‌داشت: با توجه به مواد (۷۰۳) ق.م.ا وارد کردن مشروبات الکلی از خارج جرم مستقلی به حساب آمده و عناصر تشکیل‌دهنده و مجازات مختص به خود را دارد و نتیجتاً از شمول مقررات قاچاق و رأی

وحدت رویه شماره ۵۹۵-۷۳/۱۲/۹ که واردکننده این نوع مشروبات را داخل در قانون مرتکبین قاچاق می‌داند خارج کرده است. به عبارت دیگر ماده (۷۰۳) ق مجازات اسلامی رای وحدت رویه اخیر را که به استناد مقررات دیگری صادر شده است منتفی می‌سازد. از این رو مجدداً بحث مالیت مشروبات الکلی مطرح گشت.

ب) پیش از نظریه تفسیری مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۱

کشمکش‌ها در مورد مالیت مشروبات الکلی همچنان ادامه داشت و سبب اصدار احکام متعارضی از محاکم شده بود تا این که مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۱/۸/۱۸ اقدام به تصویب استفساریه در توضیح عبارت (بهای کالا) در بندهای الف و ب ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام نمود که عیناً ذکر می‌گردد:

"ماده واحده - در ارزیابی بهای کالای مشمول بندهای الف و ب ماده ۲ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، در مواردیکه کالای قاچاق فاقد مالیت و ارزش شرعی باشد مالیت ارزش معرفی آن ملاک ارزیابی است."

این اظهارنظر همچون رای وحدت رویه سال ۱۳۷۳ قائل به مالیت عرفی برای مشروبات الکلی شد و به طور کلی به اظهارنظرها در این مورد پایان داد.

ج) پس از قانون بودجه در سال ۱۳۸۶

نظریه مجمع تشخیص مصلحت نظام همچنان به قوت خود باقی است و قانون‌گذار در پاراگراف ه - تبصره ۷ قانون بودجه سال ۱۳۸۶ نظر مجمع را دال بر مالیت داشتن مشروبات الکلی مجدداً تأکید نمود و به تعیین جریمه‌های سنگین‌تر در این مورد اقدام نمود، مطابق بند ۱ این پاراگراف "می‌بایست از حداکثر اختیارات قانونی دستگاه‌های اجرایی علیه محکومان قاچاق کالا و ارز استفاده شود و با بکارگیری توان اجرایی دستگاه‌های ذی‌ربط نسبت به تشدید مبارزه با قاچاق و پیشگیری از آن اقدام نمود." در راستای تحقق این خواسته در





بخشنامه‌ای در قوه قضائیه کلیه مصادیق مشروبات الکلی احصاء و نسبت به قیمت‌گذاری آنها در سال ۱۳۸۶ اقدام شد. بدین ترتیب شبهه مالیت داشتن یا نداشتن مشروبات الکلی برای تعیین مجازات به طور کامل از میان رفت زیرا قانون‌گذار قیمت عرفی و جهانی این محصول در کشورهای همسایه را مدنظر قرار داد. البته باید خاطر نشان نمود که با توجه به منطوق این قانون و نیز بخش‌نامه رئیس قوه قضائیه که این عبارت را در خود دارد (پرونده‌های مربوط به سال ۱۳۸۶) این گونه به نظر می‌رسد که این حکم قانون‌گذار تنها درباره جرایم قاچاق مشروبات الکلی که در سال ۱۳۸۶ رخ داده‌اند مناط اعتبار است و عمر این قانون نیز تا پایان سال مذکور می‌باشد. در ادامه ما به دو بحث دیگر می‌پردازیم: ۱- مشخص نمودن قانون حاکم در رسیدگی به جرایم مرتبط با قاچاق مشروبات الکلی و نظرات موافقان و مخالفان. ۲- بررسی مرجع صالح در رسیدگی به این جرایم و بیان نظرات موافقان و مخالفان. مشخص نمودن قانون حاکم در رسیدگی به جرایم مرتبط با قاچاق مشروبات الکلی و نظرات موافقان و مخالفان آن این مبحث را در دو قسمت مورد بررسی قرار می‌دهیم اول وضعیت پیش از تصویب قانون بودجه سال ۱۳۸۶ و دوم وضعیت پس از تصویب قانون بودجه سال ۱۳۸۶ و به بررسی و نقد هریک می‌پردازیم.

د) وضعیت پیش از تصویب قانون بودجه سال ۱۳۸۶

در آن زمان تعارضات زیادی در رویه راجع به ورود مشروبات الکلی وجود داشت به طوری که عده‌ای آن را با توجه به استدلال‌های خود مشمول ماده ۷۰۳ ق.م.ا و عده‌ای دیگر آن را مشمول قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز سال ۷۴ می‌دانستند.

۱) استدلال کسانی که ورود مشروبات الکلی را شامل ماده ۷۰۳ ق.م.ا می‌دانستند.

بنیان اصلی نظریه‌های این گروه بر این امر مستقر بود که قانون‌گذار مشروبات الکلی را فاقد مالیت فرض کرده از شمول کالا خارج نموده و ارتکاب آن را جرم مستقلی فرض کرده و بنابر ماده ۷۰۳ ق.م.ا نسبت به مجازات آن اقدام نموده است. عمده تکیه آنها بر عبارت "از

خارج وارد کند" است و این گونه استدلال نموده‌اند که قانون‌گذار عالماً، عامداً از این عبارت استفاده کرده و از واژه قاچاق استفاده نکرده است و به نوعی قصد بر خروج موضوعی مشروبات الکلی از قانون قاچاق کالا و ارز و ملحقات آن را داشته است؛ که نظریه مشورتی اداره حقوقی در سال ۱۳۷۷ که قبلاً بیان گشت نیز آن را تقویت می‌کرد؛ از طرف دیگر این گروه اعتقاد داشتند که رای وحدت رویه شماره ۵۹۵ سال ۱۳۷۳ دیوان عالی کشور که ورود مشروبات الکلی به کشور را قاچاق تلقی کرده بود توسط ماده ۷۰۳ ق.م.ا مصوب ۱۳۷۵ نسخ شده است. آنچه در فوق بیان گردید عمده دلایل این گروه در بیان این نظرات بود، که سبب شد در برخی موارد احکامی با استدلال فوق صادر شود. که در این جا دو نمونه از این آراء را که دیوان عالی کشور صادر نموده است عیناً بیان می‌داریم:

"دادنامه شماره ۸۳/۱۵/۸۵ مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۷ شعبه ۱۵ تشخیص:

تجدیدنظرخواهی (ی. الف) نسبت به دادنامه شماره ۴۶۲ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی زنجان که به اتهام قاچاق مشروبات الکلی به استناد مواد (۱) و (۴۵) قانون مجازات مرتکبین قاچاق و بند ب ماده ۲ و ۳ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی به پرداخت ریال دو برابر ارزش کالای قاچاق در حق دولت و تحمل ۶ ماه حبس محکوم شده وارد است، زیرا با توجه به قانون خاص واردکنندگان مشروبات استناد دادگاه به مواد عام قاچاق موجه نیست. علی‌هذا مستنداً به تبصره ۲ ماده (۱۸) قانون اصلاحی تشکیل محاکم عمومی و انقلاب و ماده (۲۵۰) آیین دادرسی کیفری با حذف مواد استنادی شعبه اول دادگاه انقلاب و نقض مجازات‌های تعیین شده به استناد ماده (۷۰۳) قانون مجازات اسلامی (ی. الف) به تحمل ۵ ماه حبس محکوم می‌گردد...."

"دادنامه شماره ۸۲/۲۶۸/۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۸ شعبه دوم تشخیص:

در خصوص درخواست آقای (ن. م) مبنی بر اعمال تبصره (۲) ماده (۱۸) الحاقی نسبت به دادنامه قطعی شماره ۱۵۷۹-۸۲/۱۰/۲۶ صادره از شعبه دوم دادگاه انقلاب شهرستان زنجان که به موجب آن معترض از جهت شرکت در قاچاق مشروبات الکلی خارجی به استناد مواد





(۴۵ و ۳۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و اصلاحیه ماده یک مزبور و بند (ب) ماده دوم قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز به شرح دادنامه صادره با متهمین دیگر مشترکاً و متضامناً به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ پنجاه و چهار میلیون ریال محکوم گردیده و مشروبات مکشوفه نیز مشمول دستور به انهدام گردیده است. نظر به این که با وضع تصویب مواد (۷۰۲ و ۷۰۳) قانون مجازات اسلامی مؤخر بر مواد مورد استناد دادگاه صادر کننده حکم و رأی وحدت رویه مستند حکم، وارد کردن مشروبات الکلی از خارج و حمل و نگهداری و خرید و فروش آن جرم تلقی شده (جرم عمومی) و رسیدگی به آن هم در صلاحیت داده عمومی است نه انقلاب و به عبارت دیگر مشروبات الکلی با توجه به مواد (۱۶۵ تا ۱۷۵) و (۷۰۲ و ۷۰۳) قانون مجازات اسلامی واجد ارزش مالی تلقی نشده تا کالا دانسته شود و شامل قاچاق کالا و ارز باشد. بنابر این دادنامه مورد اعتراض مغایر قانون اصدار یافته و دارای اشکال بین است. مستنداً به تبصره ۲ ماده ۱۸ یادشده چون دادگاه انقلاب زنجان صلاحیت رسیدگی به جرائم اعلامی را نداشته و موضوع در صلاحیت مراجع عمومی بوده با رعایت بند ۳ ماده (۲۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری با نقض دادنامه صادره پرونده جهت رسیدگی به دادگاه عمومی زنجان ارجاع می‌گردد." نکته جالب این که این دو رای در ازنه مختلفی از سوی شعب تشخیص صادر شدند که نظریه استفساری مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز در آن مورد بیان شده بود، و مستنبط از آن نظریه کلیه نظرات این دسته از حقوق‌دانان و استدلال‌هایشان را نفی شده بود.

۲) استدلال کسانی که ورود مشروبات الکلی را مشمول قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز سال ۷۴ می‌دانستند.

این دسته نیز برای بیان نظرات خویش استدلال‌هایی به شرح ذیل داشتند که به اختصار بیان می‌شود: مبنای نظریه این گروه برخلاف گروه قبلی این است که مشروبات الکلی را دارای مالیت دانسته (ولو عرفی) که منجر به ورود این عنوان در ردیف کالاهای موضوع قانون قاچاق کالا گردید، از مسائلی که این گروه بدان تکیه کردند رای وحدت رویه ۵۹۵ سال ۱۳۷۳ دیوان عالی کشور است که ورود مشروبات الکلی را در زمره قاچاق کالا دانسته است، استناد

دیگر ایشان به نظریه استفساری مجمع تشخیص مصلحت نظام است که برای مشروبات الکلی مالیت عرفی قائل شده و از سوی دیگر آراء دیوان عالی کشور که در پرونده‌های قاچاق مشروبات الکلی دادگاه‌های انقلاب اسلامی را صالح می‌دانستند که استناد آنها در این مورد به بند ۵ ماده پنجم قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ می‌باشد که آن بند نیز جرایم مربوط به قاچاق را در صلاحیت این مرجع (دادگاه انقلاب) آورده است؛ یک نمونه از این آراء را در این قسمت عیناً بیان می‌داریم "شعبه دوم دیوان عالی کشور در مقام حل اختلاف صلاحیت فی‌مابین دادگاه عمومی و انقلاب اسلامی در رسیدگی به اتهام وارد کردن و نگهداری مشروبات الکلی و قاچاق نمودن آن) طی دادنامه شماره ۲/۲۴۴-۲۹/۸/۱۳۸۲ چنین اظهارنظر نموده است. "در خصوص اختلاف حادث بین شعب محاکم عمومی و انقلاب اسلامی در رسیدگی به پرونده اتهامی آقای س- ع متهم به وارد نمودن مشروبات الکلی خارجی و نگهداری آن با توجه به این امر که قانون‌گذار در مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی در مقام تعیین مرجع صالح نبوده و صرفاً مجازات مرتکب را تعیین کرده است و از طرفی کالای ممنوع‌الورود در هر جای ایران کشف شود در حکم قاچاق است. با صائب دانستن نظر دادگاه عمومی در اعلام صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی بدین وسیله حل اختلاف می‌گردد." استدلال‌های این گروه هر چند که از نظر مبنای اصولی و نیز دکترین حقوقی پشتوانه قابل قبولی ندارد لکن از نظر قانونی و نیز رویه قضایی حاکم و به تبع آن نظریه تفسیری مجمع که بنابر نظر شورای نگهبان قانون اساسی حتی مجلس نیز قادر به نقض مصوبات آن نیست، ارجحیت قانونی دارد.

و) وضعیت پس از تصویب قانون بودجه سال ۱۳۸۶

مجلس در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ به طور صریح با آوردن جرم ورود مشروبات الکلی در زمره قاچاق کالا و مالیت قائل شدن برای آن به طور کامل به این تعارضات پایان داد.

در بنده - تبصره ۷ این قانون این گونه در مورد مشروبات الکلی تعیین تکلیف شده است: "در سال ۱۳۸۶ جریمه کلیه مشروبات الکلی مکشوفه براساس هر لیتر حداقل معادل سیصد





هزار ریال و یا (۱۰) برابر قیمت جهانی هر لیتر (مشروط به این که از سیصد هزار ریال کمتر نباشد) دریافت و به حساب خزانه واریز خواهد شد.

در پرونده‌های منجر به صدور حکم محکومیت در مورد قاچاق و فروش مشروبات الکلی علاوه بر جریمه ده برابر قیمت بین‌المللی، کلیه اماکن و وسایط نقلیه که برای تهیه، حمل و نگهداری، توزیع و فروش مشروبات الکلی و قاچاق از آن استفاده می‌شوند مصادره و درآمد آن پس از فروش به خزانه واریز می‌شود. "این قانون چند ویژگی دارد که در به ترتیب به آنها اشاره می‌شود: ۱. مجازات قاچاق مشروبات الکلی در این ماده آمده است و این مجازات‌ها باید به موقع اجرا گذاشته شوند، ۲. برای مشروبات الکلی به صراحت مالیت قائل شده و به مباحث پیرامون آن خاتمه داده است، ۳. ایراد استیفای درآمد دولت از فروش مشروبات الکلی موجود در قانون مبارزه با قاچاق مجمع تشخیص مصلحت نظام را رفع نمود. حال در اینجا تنها یک سؤال پیش می‌آید که البته در مطالب پیشین به طور تلویحی به آن اشاره شد و آن این که طبق نظریه شورای نگهبان قانون اساسی، مجلس نمی‌تواند مصوباتی را مغایر با نظرات مجمع تشخیص مصلحت نظام وضع نماید حال آن که در قانون بودجه سال ۱۳۸۶ قانون‌گذار به تعیین مجازاتی بیش از آنچه که مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین نموده بود مبادرت ورزیده است، البته این قانون نیز به تصویب شورای نگهبان رسیده است و این خود جای سؤال دارد که چگونه شورای محترم نگهبان این قانون را بدین شکل تصویب نموده است، علی‌الحال باید عنوان نمود که رکن قانونی مجازات مرتکبین قاچاق مشروبات الکلی در حال حاضر بند ه تبصره ۷ قانون بودجه می‌باشد، هرچند که عده‌ای از حقوق‌دانان قائل به این نظرند که می‌بایست مجازات حبس مندرج در ماده ۷۰۳ ق.م.ا را با مجازات‌های مطروحه در این قانون جمع نمود لکن به نظر نگارنده عنوان از خارج وارد کردن (قاچاق) مشروبات الکلی که یکی از مصادیق مذکور در ماده ۷۰۳ ق.م.ا است با توجه به قانون لاحق از شمول آن ماده خارج شده و به نوعی تخصیص خورده و مشمول بند ه تبصره ۷ قانون بودجه قرار گرفته است و این آخرین اراده قانون‌گذار در این مورد می‌باشد.

بند ششم: نظر نهایی در این زمینه

بر تصویب ماده واحده مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۱/۸/۲۶) که مشروبات الکلی را دارای مالیت دانست و ارزش عرفی آن را ملاک ارزیابی قرار داد، این آثار حقوقی مترتب است:

۱- وارد کردن مشروبات الکلی از خارج به کشور در حکم قاچاق کالای غیر مجاز و ممنوعه است. لذا مشمول مقررات جرایمی قانون نحوه اعمال مقررات حکومتی قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ می‌باشد. در نظریه شماره ۷/۲۱۷۳-۱۱/۴/۱۳۸۷ اداره حقوقی قوه قضاییه چنین آمده است «وارد کردن مشروبات الکلی در حکم قاچاق کالا و در صلاحیت دادگاه انقلاب است و از ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی خروج موضوعی دارد، زیرا مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام وارد بر قوانین عادی است.»

۲- قسمت آخر ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ نسخ ضمنی شده است.

۳- به استناد رأی وحدت رویه شماره ۶۷۶-۱۳۸۴/۳/۱۰ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در جاهایی که دادگاه انقلاب نباشد، دادگاه عمومی هم صالح به رسیدگی به این امر خواهد بود پس لازم نیست مرجع صالح به رسیدگی حتماً دادگاه انقلاب باشد.

۴- تلقی اتهام قاچاق مشروبات الکلی و انطباق آن با ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و تعیین مجازات براساس آن و انطباق جرم وارد کردن مشروبات الکلی با ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی مبتنی بر اشتباه است بلکه عنوان جزایی آن در حکم قاچاق کالا و مشمول قانون نحوه اعمال قانون تعزیرات حکومتی قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴ است.

بخش سوم: نکاتی در باب قاچاق کالا و ارز و مشروبات الکلی

پدیده قاچاق تأثیرات مخربی بر اقتصاد ملی و درآمد عمومی دولت وارد می‌کند. در راستای مقابله با این امر و کنترل بازار و ورود و خروج کالا و ارز، پدیده قاچاق از سال‌ها پیش توسط قانون‌گذار جرم‌انگاری شده است و در سیر تحولات و اصلاحات قانونی، در نهایت به موجب

ماده (۲) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «به منظور تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده‌های مربوط به کشفیات قاچاق اعم از کالا و ارز اداره‌های مأمور وصول درآمدهای دولت یا سازمان‌هایی که به موجب قانون مبارزه با قاچاق شاکی محسوب می‌شوند، در صورت احراز کالا یا ارز قاچاق مکلفند حداکثر ظرف ۵ روز نسبت به تکمیل پرونده اقدام و براساس جرایم و مجازات مقرر در قوانین مربوط و این قانون به ترتیب ذیل عمل نمایند:

الف) در مواردی که بهای کالا و ارز موضوع قاچاق معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد، ادارات و سازمان‌های ذی‌ربط به ترتیبی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد فقط به ضبط کالا و ارز به نفع دولت اکتفا می‌کنند.

ب) در مواردی که بهای کالا و ارز قاچاق از ده میلیون ریال تجاوز کند، چنانچه متهم در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه باشد با احتساب دو برابر آن به عنوان جزای نقدی نسبت به وصول جریمه و ضبط کالا و ارز به ترتیبی که در آیین‌نامه اجرایی این قانون خواهد آمد اقدام و از تعقیب کیفری متهم از حیث عمل قاچاق و شکایت علیه وی صرف‌نظر می‌شود. به موجب بند ۳ تبصره ۷ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۵ کل کشور جریمه قاچاق کالاهای مکشوفه در تمام نقاط مرزی و داخل کشور برای سال ۱۳۸۵ بدین شرح خواهد بود:

بند اول: کالاهای قاچاق ورودی

- کالاهای مورد نیاز و ضروری مصرفی در صورت کشف، ضبط مال و دو برابر قیمت کالا، جریمه.

- کالاهای غیر ضروری در صورت کشف، ضبط مال و پنج برابر قیمت کالا، جریمه.

- کالاهای غیر مجاز و ممنوعه در صورت کشف، انهدام و ضبط مال ده برابر قیمت کالا، جریمه.

بند دوم: کالاهای قاچاق خروجی

- کالاهای عمومی در صورت کشف، ضبط مال و دو برابر قیمت کالا، جریمه.

- کالاهای رایانه‌ای و یا تولید شده از مواد اولیه یارانه‌ای در صورت کشف، ضبط مال و پنج برابر قیمت کالا، جریمه.

براساس قسمت اخیر ماده ۲ قانون صدرالذکر در صورتی که متهم حاضر به پرداخت جریمه در مرحله بند «ب» نباشد پرونده متهم جهت «تعقیب کیفری» و «وصول جریمه» حداکثر ظرف ۵ روز از تاریخ کشف به مرجع قضایی ارسال می‌گردد. در صورت اثبات جرم علاوه بر حبس متهم یا ضبط کالا یا ارزش جریمه متعلقه که به هر حال از دو برابر بهای کالای قاچاق یا ارزش کمتر نخواهد بود دریافت می‌گردد. صرف‌نظر از تکلیفی که محاکم و قضات در رسیدگی فوری و در چارچوب این قانون و آیین‌نامه آن نسبت به پرونده‌های قاچاق دارند، به سه نکته اختلافی در باب قاچاق که برداشت‌های متفاوتی را در بر دارد اشاره می‌شود:

الف) تعیین مجازات حبس برای مرتکبین قاچاق منطبق بر قانون است.

هرچند که در مورد کلیه امور مربوط به مبارزه با قاچاق کالا و ارزش براساس قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارزش مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ عمل می‌شود، لیکن در صورت عدم پرداخت جریمه مقرر در بند «ب» این قانون، تعیین حبس برای متهم، علاوه بر جریمه متعلقه، به موجب این بند و ماده (۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲/۱۲/۲۹ با اصلاحات بعدی الزامی است و البته اعطای تخفیف در حبس بلاشکال است. برای شروع به جرم و معاون جرم قاچاق نیز به موجب مواد ۲ و ۳ قانون مجازات مرتکبین قاچاق، کیفر حبس تعیین شده است. با این وصف، برخی از محاکم با مجری دانستن قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی، قوانین مذکور در ماده (۱) این قانون را به طور کلی منسوخ می‌دانند، و در صورتی که متهم جریمه مقرر را نپردازد، وی را صرفاً به جزای نقدی تعیینی از سوی گمرک محکوم می‌نمایند. این برداشت برخلاف صراحت قوانین مذکور و سیاست‌ها و اهداف قانون‌گذار می‌باشد. قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ صرفاً در راستای تسریع در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق کالا و ارزش، با توجه به مقتضیات زمان بوده و چنانچه متهم جریمه را در مرحله اداری نپردازد، با حاکم شدن قانون مجازات مرتکبین قاچاق،





تعیین حبس علاوه بر جزای نقدی الزامی خواهد بود. انگار چنین تفسیری براءت غیر موجه معاون جرم و شروع کنندگان به قاچاق را نیز در پی خواهد داشت.

ب) شرکای در جرم قاچاق مجازات فاعل مستقل جرم را دارند.

همان‌طور که گفته شد، چنانچه کالا یا ارز قاچاق مکشوفه بیشتر از ده میلیون ریال باشد، پرداخت جریمه مقرر و در صورت امتناع، تعقیب کیفری مرتکب لازم خواهد بود و در کمتر از مبلغ فوق صرفاً ضبط کالای مکشوفه کافی می‌باشد. متأسفانه در عمل، با وصف تعیین مبلغی زاید بر ده میلیون ریال، برخی از متهمین بعداً اشخاص دیگری را به عنوان شریک در کالا معرفی می‌نمایند و برخی از محاکم نیز با پذیرفتن این امر و با ارسال مجدد پرونده به گمرک و تعیین بهای کالاهای هر یک از شرکاء که معمولاً هم به کمتر از ده میلیون ریال برای هر فرد منجر می‌شود نسبت به آزادی متهمین اقدام می‌نمایند. در نتیجه، مرتکبین قاچاق با افزایش تعداد شرکای صوری، با توجه به مبالغ تعیینی گمرک و بدون هیچ ترسی و محدودیتی، از طریق تعدیل بهای کالای هر فرد به کمتر از ده میلیون ریال از چنگال عدالت می‌گریزند. برای مقابله با این قانون‌گریزی بدو در تنظیم صورت جلسه کشف کالای قاچاق و تحقیق دقیق از متهمین، می‌بایست دقت کافی از سوی مأمورین کاشف معمول گردد، تا بعداً امکان افزودن اشخاص دیگری به عنوان شریک اموال فراهم نگردد، و در صورتی که به هر دلیل تعداد شرکاء افزایش یابد دو حالت متصور است:

حالت اول: اموال و اجناس مکشوفه از انواع مختلفی هستند و هریک از شرکاء به تفکیک جنس خاص خود را مشخص می‌نماید و بهای اجناس هر فرد، به طور مجزا کمتر از ده میلیون ریال می‌باشد، که در صورت تأیید مراتب از سوی محاکم (دادسرا)، می‌بایست صرفاً اموال مکشوفه ضبط و از تعقیب کیفری شرکا خودداری گردد؛ چراکه گریزگاه را خود قانون ایجاد کرده و متأسفانه، قاچاق‌چیان با هماهنگی یکدیگر می‌توانند از طریق این گریزگاه به راحتی از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. این امر نیازمند اصلاح قانونی است.

حالت دوم: اموال و اجناس مکشوفه متنوع بوده و امکان تفکیک اجناس از سوی شرکا به درستی ممکن نیست و قرائتی نیز وجود دارد که نیت مرتکبین را برای رهایی از مجازات مقرر نشان می‌دهد (مانند معرفی کردن شرکای جدید بعد از قیمت‌گذاری گمرک و...). در این حالت با وصف قبول مشارکت از سوی شرکای جدید بر اساس ماده (۴۲) قانون مجازات اسلامی می‌بایست نسبت به همه شرکا اتهام مشارکت در قاچاق یا حمل کالای قاچاق تفهیم گردد و تأمین مناسب اخذ گردد. لازم به ذکر است که ارجاع مجدد به گمرک می‌بایست صرفاً در جهت تعیین جرمه مقرر برای هر یک از شرکا براساس ماده (۳) قانون مجازات مرتکبین قاچاق باشد. به موجب این ماده: «در مورد شرکای جرم قاچاق عین مال ضبط و هر یک از شرکا به کیفر حبس مقرر در ماده یک محکوم می‌شوند و دادگاه سهم هریک را از کل جزای نقدی مقرر تعیین و آنان را متضامناً به پرداخت آن محکوم می‌نماید و در صورتی که مال قاچاق از بین رفته باشد بهای آن از کلیه شرکا متضامناً وصول خواهد شد...». اگر چنین رویه‌ای در محاکم و دادسراها حاکم باشد، علاوه بر این که از قاچاق بی‌رویه کالا و ارز و از صدمات جبران‌ناپذیر آن بر پیکره اقتصاد ملی جلوگیری می‌شود، راه فرار مجرمین از مقررات قانونی و تمسخر مراجع قضایی انتظامی از سوی آنها نیز بسته خواهد شد.

۳۹۷

ج) وارد کردن و حمل مشروبات الکلی قاچاق کالا محسوب نمی‌گردد.

خرید و فروش، حمل و نگهداری و وارد کردن مشروبات الکلی، به هر مقدار که باشد، به موجب مواد (۷۰۲ و ۷۰۳) قانون مجازات اسلامی جرم مستقلی - با ارکان خاص خود - به شمار می‌رود، لیکن رأی وحدت رویه شماره ۵۹۵-۱۳۷۳/۱۲/۹ بیان می‌دارد: «چون به موجب ماده (۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق، تولید یا ورود یا صدور مشروبات الکلی ممنوع بوده و مرتکبین وفق مقررات قانونی مستوجب کیفر هستند و از جمله مجازات مقرر، پرداخت جرمه می‌باشد...» و بر اساس همین رأی، برخی از محاکم حمل و ورود مشروبات الکلی را قاچاق تلقی نموده و بر طبق مقررات قانونی مجازات مرتکبین قاچاق عمل می‌نمایند. با رد برداشت





مذکور، وارد کردن و حمل مشروبات الکلی را جدای از قاچاق، جرم مستقلی منطبق با مواد (۷۰۲ و ۷۰۳) قانون مجازات اسلامی می‌داند:

۱- رأی وحدت رویه شماره ۵۹۵ مربوط به سال ۱۳۷۳ بوده و با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ منتفی شده است. نظریه مشورتی شماره ۷/۲۷۰۸-۷۷/۴/۲۲ در این مورد بیان می‌دارد: «با توجه به ماده (۷۰۳) قانون مجازات اسلامی وارد نمودن مشروبات الکلی از خارج جرم مستقلی به شمار آمده است و عناصر تشکیل دهنده مجازات مختص به خود را دارد، و نتیجتاً از شمول مقررات قاچاق و رأی وحدت رویه شماره ۵۹۵-۱۳۷۳/۱۲/۹ دیوان عالی کشور که به موجب آن وارد کننده مشروبات الکلی را به موجب ماده یک قانون مجازات مرتکبین قاچاق مستوجب پرداخت جریمه می‌دانست، خارج نموده است و به عبارت دیگر، ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی، رأی وحدت رویه اخیر را که به استناد مقررات دیگری صادر شده است منتفی می‌سازد.»

۲- در سال‌های اخیر محاکم و شعب تشخیص دیوان عالی کشور آرای در تأیید این نظر صادر کرده‌اند که به دو نمونه از آنها اشاره می‌شود:

«دادنامه‌ی اول: دادنامه شماره ۸۵۸/۱۵/۸۳ مورخ ۱۳۸۳/۷/۲۷ شعبه ۱۵ تشخیص:

تجدیدنظرخواهی (ی.الف) نسبت به دادنامه شماره ۴۶۲ صادره از شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی زنجان که به اتهام قاچاق مشروب الکلی به استناد مواد (۱) و (۴۵) قانون مجازات مرتکبین قاچاق و بند «ب» ماده (۲) و ماده (۳) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی به پرداخت... ریال دو برابر ارزش کالای قاچاق در حق دولت و تحمل ۶ ماه حبس محکوم شده وارد است؛ زیرا با توجه به قانون خاص واردکنندگان مشروبات استناد دادگاه به مواد عام قاچاق موجه نیست، علی‌هذا مستنداً به تبصره ۲ ماده (۱۸) قانون اصلاحی تشکیل محاکم عمومی و انقلاب و ماده (۲۵۰) قانون آیین دادرسی کیفری با حذف مواد استنادی شعبه اول دادگاه انقلاب و نقض مجازات‌های تعیین شده به استناد ماده (۷۰۳) قانون مجازات اسلامی (ی.الف) به تحمل پنج ماه حبس محکوم می‌گردد... رأی صادره قطعی است.»

"دادنامه ی دوم: دادنامه شماره ۲/۲۶۸/۸۲ مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۸ شعبه دوم تشخیص:

در خصوص درخواست آقای (ن.م) مبنی بر اعمال تبصره ۲ ماده (۱۸) الحاقی نسبت به دادنامه قطعی شماره ۱۵۷۹-۸۱/۱۰/۲۶ صادره از شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان زنجان که به موجب آن معترض از جهت شرکت در قاچاق مشروبات الکلی خارجی به استناد مواد (۳، ۱ و ۴۵) قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۱۳۱۲ و اصلاحیه ماده یک مزبور و بند «ب» ماده دوم قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز به شرح دادنامه صادره با متهمین دیگر مشترکاً و متضامناً به پرداخت جریمه نقدی به مبلغ پنجاه و چهار میلیون ریال محکوم گردیده و مشروبات مکشوفه نیز منتهی به صدور دستور معدوم شدن گردیده است، نظر به این که با وضع و تصویب مواد (۷۰۲ و ۷۰۳) قانون مجازات اسلامی مؤخر بر مواد مورد استناد دادگاه صادرکننده حکم و رأی وحدت رویه مستند حکم وارد کردن مشروبات الکلی از خارج و حمل و نگهداری و خرید و فروش آن جرم عمومی تلقی شده و رسیدگی به آن هم در صلاحیت دادگاه‌های عمومی است نه انقلاب و به عبارت دیگر، مشروبات الکلی با توجه به مقررات قانون مجازات اسلامی چه در مبحث حدود از مواد (۱۶۵ تا ۱۷۵) و چه تعزیرات مواد (۷۰۲ و ۷۰۳) واجد ارزش مالی قلمداد نشده تا کالا دانسته شود و مشمول قاچاق کالا و ارز باشد. بنا به مراتب، دادنامه مورد اعتراض مغایر قانون اصدار یافته، دارای اشکال مبین است مستنداً به تبصره ۲ ماده (۱۸) یاد شده چون دادگاه انقلاب زنجان صلاحیت رسیدگی به جرایم اعلامی را نداشته و موضوع در صلاحیت مراجع عمومی بوده با رعایت بند ۳ ماده (۲۶۵) قانون آیین دادرسی کیفری با نقض دادنامه صادره پرونده جهت رسیدگی به دادگاه عمومی زنجان ارجاع می‌گردد.

۳- برخلاف عبارت متن رأی وحدت رویه شماره ۵۹۵، در ماده (۱) قانون مجازات مرتکبین قاچاق، به صراحت صحبتی از ممنوعیت تولید با ورود و یا صدور مشروبات الکلی به میان نیامده است، بلکه در این ماده به مالی که موضوع در آمده دولت هست اشاره شده و تولید و فروش الکل و ترکیبات الکلی و نوشابه‌های غیر الکلی را صرفاً قبل از پرداخت مالیات ممنوع





نموده است، که در هر حال شامل مشروبات الکلی نمی‌شود. از لحاظ فقهی و قانونی و با گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، باید پذیرفت که مشروبات الکلی مال موضوع درآمد دولت نیست و برای تولید و فروش آن مالیاتی مقرر نشده تا بعد از پرداخت مالیات قابل تولید و فروش باشد. پس در نتیجه، وارد کردن و حمل آن قاچاق کالا محسوب نمی‌گردد.

۴- براساس فقه (شرع) و قانون، مشروبات الکلی مالیت ندارد و قابل تقویم به ریال و... نمی‌باشد.

۵- عده‌ای با تمسک به نظر تفسیری مجمع تشخیص مصلحت نظام که بیان می‌دارد: «در مواردی که کالای قاچاق فاقد مالیت و ارزش شرعی باشد، مالیت و ارزش عرفی آن ملاک ارزیابی است.» وارد کردن و حمل مشروبات الکلی را قاچاق کالا محسوب می‌نمایند. با طرح دو سؤال و ارائه پاسخ مربوط در این نظر تردید ایجاد می‌شود:

اولاً: مگر در عرف ایران مشروبات الکلی مالیت داشته و قابل ارزیابی است؟ عرف (به ضم عین) در لغت به معنی معرفت و شناسایی است و پس از آن به معنی چیزی که در ذهن شناخته شده و مأنوس و مقبول خردمندان است به کار رفته است. در اصطلاح فقها روش مستمر قوی است در گفتار و روش و عملی است که اکثریت صنفی از اصناف (یا طبقه‌ای از طبقات یا گروهی از یک اجتماع) به طور مکرر انجام دهند و آن عمل مطابق با مصلحت نوعی آن صنف یا طبقه یا گروه باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، به سختی می‌توان گفت که مشروبات الکلی در عرف ایران مالیت دارد و قابل ارزیابی به پول است.

ثانیاً: با پذیرفتن ارزش عرفی، در صورتی که بهای عرفی از مبلغ ده میلیون ریال کمتر باشد، آیا باید صرفاً به ضبط کالا (مشروبات الکلی) اکتفا نمود و از تعقیب کیفری مرتکب خودداری کرد؟

مسئلاً هدف قانون‌گذار از وضع بند «الف» ماده (۲) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی، ضبط کالا در جهت تأمین اهداف خاص، از قبیل به فروش رساندن کالای مکشوفه و واریز

درآمد حاصله به خزانه عمومی و جبران خسارات وارد شده از قاچاق و تنبیه مرتکب و... بوده است که ضبط مشروبات الکلی هیچ کدام از این اهداف را تأمین نمی‌کند، چون اصلاً قابل فروش نیستند. در فرضی هم که به این سؤال پاسخ مثبت داده شود، واردکنندگان و حاملین مشروبات الکلی با اطلاع از این امر و با هماهنگی یکدیگر، مشروبات الکلی با ارزش کمتر از ده میلیون ریال را وارد یا حمل می‌نمایند، که به نظر نگارنده این برداشت، از نظر قانون‌گذار و عقل و منطق بسیار دور و بعید است.

۶- با توجه به مراتب مذکور، وارد کردن و حمل و نگهداری مشروبات الکلی، به هر مقدار که باشد براساس مواد (۷۰۲ و ۷۰۳) قانون مجازات اسلامی، با داشتن ارکان و عناصر اختصاصی خود، قابل مجازات است و چنانچه محاکم حداکثر مجازات مقرر در این مواد را کافی ندانند، می‌توانند به موجب مواد (۲۰، ۱۹ و ۷۲۸) قانون مجازات اسلامی و رأی وحدت رویه شماره ۵۹۰ مورخ ۱۳۷۲/۱۱/۵ مجازات تکمیلی (تتمیمی) را علاوه بر حداکثر مجازات مورد حکم قرار دهند. در ادامه بایستی گفت در راستای مقابله با قاچاق کالا و ارز و در جهت تسریع در رسیدگی به پرونده‌های قاچاق، قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی در سال ۱۳۷۴ به تصویب قانون‌گذار رسید، لیکن با توجه به برداشت‌های مختلف از مواد و بندهای این قانون، گاهی آرای متفاوتی در موضوعات مشابه توسط محاکم صادر می‌شود، که در نهایت زیان آن متوجه دستگاه قضایی می‌شود. به همین لحاظ، در این مبحث سعی شد به سه مورد از موارد اختلافی با عناوین زیر اشاره شود:

اول این که، تعیین مجازات حبس برای مرتکبین قاچاق کالا و ارز منطبق بر قانون است.

دوم این که، شرکای در جرم قاچاق یا حمل کالا و ارز قاچاق، مجازات فاعل مستقل جرم را دارند، و

سوم این که، وارد کردن یا حمل مشروبات الکلی قاچاق کالا محسوب نمی‌گردد.





به هر حال برای جلوگیری از تهاافت آراء، مداخله سریع قانون‌گذار در جهت تدوین قانونی جامع و فراگیر، ضمن نسخ قوانین پراکنده و متنوع، ضروری است. به امید روزی که قوانین بسیار متنوع کشورمان در یک مجموعه گردآوری و کدبندی شوند.

- رأی وحدت رویه شماره ۷۳۶-۱۳۹۳/۹/۴ هیأت عمومی دیوان عالی کشور

نظر به این که در ماده ۴۴ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳ مجلس شورای اسلامی، عبارت «مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی» به قرینه جمله بعد آن با این عبارت «سایر پرونده‌های قاچاق کالا و ارز تخلف محسوب و رسیدگی به آن در صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی است» معطوف به قاچاق کالا و ارز و منصرف از قاچاق کالاهای ممنوع است، بنابراین رسیدگی به بزه قاچاق کالاهای ممنوع همانند رسیدگی به بزه قاچاق کالا و ارز سازمان یافته و حرفه‌ای و بزه قاچاق کالا و ارز مستلزم حبس و یا انفصال از خدمات دولتی مطلقاً در صلاحیت دادرسی و دادگاه انقلاب است. بر این اساس آراء شعب یازدهم و چهاردهم دیوان عالی کشور که با این نظر انطباق دارد به اکثریت آراء صحیح و قانونی تشخیص می‌گردد. این رأی طبق ماده ۲۷۰ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است.

بخش چهارم: طرح دو پرسش در زمینه قاچاق مشروبات الکلی در رویه قضایی

می‌توانیم از نظر نگارشی، متن بند ت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی را بررسی کنیم و با توجه به وجود کنیم کدام یک از مواد عام یا خاص یا هر دو یکی است. همچنین دنبال ضابطه برای کلمه «عمده»ی موجود در این ماده هستیم که در این صورت این سؤال پیش می‌آید که بیست لیتر ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی می‌تواند ملاک باشد؟ و قاچاق عمده به مشروبات الکلی هم بر می‌گردد؟ در ابتدا باید به این موضوع اُکید شود که «تعلیق مجازات جرم مشروبات الکلی و سلاح و مهمات و...» در مورد عام و خاص بودن ماده ۴۷ و تبصره ۳ ماده ۷۰۳ هم به نظر هر دو حکم خاص‌اند و خاص لاحق، ناسخ خاص سابق است. فقط موضوع

«عمده بودن» می‌ماند، شاید هم بشود گفت کلمه «عمده» زاید باشد چون عملاً قاجاق خرده صورت نمی‌گیرد.

حالا این پرسش پیش می‌آید که آیا وارد کردن سه شیشه مشروبات الکلی هم قاجاق محسوب می‌شود؟

به نظر برخی از کارشناسان قضایی قاجاق مواد، از یک مرز وارد کردن و از یک مرز دیگر خارج کردن است. به عبارتی نظر بعضی اساتید بر عدم نسخ است، زیرا در صورت تحقق نسخ، نسخ ضمنی باید رخ دهد و آن در صورت است که موادی با تصویب قانون لاحق قابل جمع نیست در حالی که بند ۴۷ قانون مجازات اسلامی، قاجاق عمده مشروبات را بیان و تبصره ۳ ماده ۷۰۳، قاجاقی را که طبق نظر قاضی به حد عمده نرسیده باشد را در نظر گرفته است و هر دو را غیرقابل تعلیق می‌داند. به عبارت دیگر فقط قاجاق عمده مشروبات الکلی غیر قابل تعویق است. به هر حال اصل بر حکمت مقنن است و در موارد شک نیز باید به اصل عدم نسخ متوسل شد. البته در محاکم نیز رویه بر عدم نسخ است، اما استدلال‌ها متفاوت هستند. هم چنین اگر تبصره ۳ ماده ۷۰۳ را منسوخ محسوب نکنیم و بگوییم قاجاق غیرعمده مشروبات الکلی غیر قابل تعلیق است، پس به طریق اولی، قاجاق عمده اش هم غیر قابل تعلیق خواهد بود و نیازی به ذکر ماده ۴۷ نبوده است مگر این که بگوییم قانون‌گذار می‌خواسته د مورد تعویق هم، قاجاق مشروبات را مدنظر قرار دهد. به هر حال به نظر می‌رسد نسخ ضمنی به دلیل یکی نبودن مفاد موارد بیان شده و عدم مانع الجمع بودن جاری شود. نظر عده‌ای اساتید هم بر این است که ماده ۷۰۳ خاص است یعنی فقط مشروبات الکلی را بیان می‌کند و ماده ۴۷ عام بود پس به این ترتیب نسخ نشده است. عده‌ای نیز قائل به جمع بین این‌ها در موارد تعلیق، تعویق و عدم نسخ هستند و هر دو را عام می‌دانند ولی به نظرشان کلمه «عمده» اضافه است.

بخش پنجم: نظر مشورتی در حوزه مشروبات الکلی

اما نظریه مشورتی در این مورد کمی با نظرهای بالا متفاوت است و حتی شامل مشروبات الکلی هم می‌شود. در این نظر مشورتی پرسش شده است: «منظور از کلمه «عمده» در بند ۴۷





ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ چیست؟ (در مورد مواد مخدر مثلاً بالای ۱۰۰ کیلو عمده). و «آیا قید عمده شامل مشروبات و سلاح و انسان که در بند ت ماده مذکور آمده است، می‌شد با صرفاً اختصاص به مواد مخدر دارد؟» در جواب این پرسش‌های در نظر مشورتی در تاریخ ۱۳۹۲/۵/۷ آمده است: «با توجه به این که مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ضابطه ای برای تشخیص و ملاک «قاچاق عمده» تعیین نکرده است، در نتیجه تشخیص مصداق آن به عهده قاضی رسیدگی کننده است که با توجه به اوضاع و احوال پرونده از قبیل میزان و نحوه بسته‌بندی و... مشخص می‌شود. با توجه به نحوه نگارش بند ت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۹۲ قید «عمده» مشروبات الکلی، سلاح، مهمات و انسان را نیز در بر می‌گیرد.» با توجه به پاسخی که درج شده است به نظر می‌رسد باید به بند ت ماده ۴۷ توجه کنیم در صورتی که قاچاق عمده را به همه موارد تسری بدهیم (منصرف به همه جرایم) در این صورت با صدر ماده ۷۰۳ که وارد کردن مشروبات الکلی را قاچاق می‌داند، باید بررسی شود اما در صورتی قاچاق عمده صرفاً منصرف به مورد مواد مخدر و روانگردان باشد یعنی مشروبات الکلی به صورت مطلق باشد در این صورت با کل ماده ۷۰۲ و ۷۰۳ قابل بررسی است و بند ت در مقام بیان قاچاق خواهد بود. همچنین اگر در مقام بیان جرایم شدید و خطرناک بریاییم، جرایم ذکر شده در این ماده برخلاف بندهای قبل و بعد از آن از یک جنس نیستند و صرفاً در قاچاق بودن مشترک هستند علاوه بر آن آخر بند نیز قاچاق انسان را آورده است. از طرف دیگر تبصره ۳ ماده ۷۰۳ به مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ اشاره کرده است یعنی جرایم مربوط به مشروبات الکلی غیر قابل تعلیق هستند و چه مشروبات الکلی در ماده ۴۷ را مطلق بدانیم چه منصرف به قاچاق، تمام جرایم مربوط به مشروبات الکلی غیر قابل تعلیق می‌شوند. پس فرقی بین قاچاق مشروبات با سایر جرایم وجود ندارد و کلیه جرایم مربوط به مشروبات الکلی غیر قابل تعلیق هستند. حال این سؤال پیش می‌آید که اگر صرف وارد کردن قاچاق غیر قابل تعلیق باشد در این صورت چه نیازی به بند ت ماده ۴۷ در این زمینه بوده است؟ در پاسخ باید گفت که حالت قابل تصور است:

۱- یا ماده ۴۷ که قاچاق عمده را بیان کرده است صرفاً برای تأکید است چه در صورتی که صرف ورود غیرقابل تعلیق است به طریق اولی قاچاق عمده‌اش هم غیرقابل تعلیق خواهد بود.

۲- یا این که ماده ۴۷ تبصره را محدود کرده است و صرفاً قاچاق به صورتی عمده را غیرقابل تعلیق می‌داند، که این حالت منطقی به نظر نمی‌رسد زیرا در این صورت خرید و فروش در ماده ۷۰۲ غیر قابل تعلیق و وارد کردن در غیر قاچاق عمده غیرقابل تعلیق خواهد بود.

البته جرایم این بخش قانون مجازات در ماده ۷۰۲ تعزیرات فقط شامل جرایم حمل و نگهداری مشروبات الکلی در داخل کشور می‌باشد و شامل کالاهای ممنوع الورد نمی‌شود و این کالاها طبق ماده ۱۹ قانون قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ می‌باشد. در مرور مطالب گفته شده در قانون مجازات اسلامی جدید، قانون‌گذار قصد دارد تعزیرات را نیز اصلاح و اضافه کند و بخش کلیات قطعاً شامل تعزیرات می‌شود و در صورت شک، تفسیر به نفع متهم خواهد شد. اگر برای کلمه «عمده» ملاک بیست لیتر را در نظر بگیریم و کمتر از آن را تعلیق کنیم این امر به عدالت نزدیک‌تر است.

بخش ششم: کیفیت رسیدگی به جرم قاچاق مشروبات الکلی در رویه قضایی

مشروبات الکلی علاوه بر این که در شرع مقدس اسلام حرام و نجس دانسته شده است، در قوانین جزایی کشور نیز علاوه بر شرب آن، تولید، نگهداری، حمل، توزیع، فروش و قاچاق آن نیز جداگانه جرم‌انگاری و در هر مورد برای آن مجازات تعیین شده است. براساس قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مشروبات الکلی در زمره کالاهای ممنوعه قلمداد شده و چنانچه قاچاق آن از خارج از کشور به داخل صورت گرفته باشد، رسیدگی به آن در صلاحیت دادگاه انقلاب است و اگر مشروبات و موارد مشابه آن، منشاء داخلی داشته باشد، در دادگاه کیفری به آن رسیدگی می‌شود. در جمهوری اسلامی ایران در زمینه برخورد با قاچاق مشروبات الکلی مقررات بسیار سختگیرانه‌ای وجود دارد به نحوی که از سوی قانون‌گذار ساخت، حمل، خرید و فروش و استفاده و هم چنین نگهداری و عرضه مشروبات جرم‌انگاری شده است. هر آن چیزی که عنوان مشروبات الکلی داشته باشد، جرم محسوب می‌شود. در





تمام دنیا برخورد در زمینه مشروبات الکلی وجود دارد ولی در ایران حتی مصرف آن نیز جرم محسوب شده و قوانین سختگیرانه‌تر را شاهد هستیم؛ به شکلی که در برخی از کشورها در این راستا در خصوص مستی و رانندگی با حالت مست جرم‌انگاری شده است ولی در کشور ما به طور کلی این امر جرم است و از مصرف تا عرضه آن جرم محسوب می‌شود. گفتنی است که مرجع صالح رسیدگی به قاچاق مشروبات الکلی دادگاه انقلاب است. مفهوم قاچاق به این معناست که ورود غیرقانونی یک محصول بدون اجازه و اطلاع ضابطان صورت گیرد و هیچ‌گونه نظارت و مجوزی در این زمینه وجود نداشته باشد، گفت: بنابراین ورود و وجود مشروبات الکلی چه خارجی و چه داخلی در کشور ما نوعی قاچاق محسوب می‌شود. به طور کلی هر موضوعی در زمینه مشروبات الکلی از ساخت تا مصرف در کشور ایران جرم است. رسیدگی به این جرایم ابعاد مختلف دارد به طور مثال موضوع مصرف به یک معنا، عرضه و فروش، معنای دیگر دارد که هر کدام جداگانه مجازات خاص خود را داراست؛ در زمینه مصرف باید گفت که جزء جرایم مشمول حد محسوب شده و در زمینه ساخت و فروش مصادیق تعزیری مدنظر قرار می‌گیرد. براساس ماده ۳۰۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، رسیدگی به جرم قاچاق مشروبات الکلی که از خارج از کشور وارد می‌شود به عنوان قاچاق کالاهای ممنوعه در صلاحیت دادگاه انقلاب است اما سایر موارد مربوط به ساخت و حمل و نگهداری مشروبات الکلی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری عمومی است. براساس ماده ۷۰۲ بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، هر کس مشروبات الکلی را بسازد یا بخرد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا حمل یا نگهداری کند با در اختیار دیگری قرار دهد به شش ماه تا یک سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان پنج برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می‌شود. همچنین طبق ماده ۷۰۳ همین قانون، وارد نمودن مشروبات الکلی به کشور قاچاق محسوب می‌گردد و واردکننده صرف‌نظر از میزان آن به شش ماه تا پنج سال حبس و تا هفتاد و چهار (۷۴) ضربه شلاق و نیز پرداخت جزای نقدی به میزان ده برابر ارزش عرفی (تجاری) کالای یادشده محکوم می‌شود. در ادامه بایستی گفت که هرگاه

مشروبات الکلی مکشوفه به میزان بیش از ۲۰ لیتر باشد، طبعاً روش تشدید مجازات برای آن در نظر گرفته می‌شود و همچنین چنانچه وسایلی که جهت حمل آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، با اطلاع مالک باشد به نفع دولت ضبط خواهد شد و در غیر این صورت مرتکب به پرداخت قیمت وسیله نقلیه محکوم خواهد شد و همچنین بر اساس این مصوبه، آلات وارداتی که جهت ساخت با تسهیل ارتکاب جرایم موضوع مواد مذکور مورد استفاده قرار می‌گیرد و وجوه حاصله از معاملات مربوط نیز به نفع دولت ضبط می‌شود. قانون‌گذار سخت‌ترین مجازات را برای برخورد با قاچاق مشروبات الکلی داخلی و خارجی در نظر گرفته است، ادامه داد: از سال ۸۷ تاکنون قانون در زمینه مشروبات الکلی تغییر نکرده است ولی برای رسیدگی بیشتر به این امر در قانون قاچاق کالا و ارز در زمینه مشروبات الکلی از یک بعد مواردی دیده شده که واردات هرگونه کالا و ارز از مبادی غیرقانونی جرم است و دولت باید در این خصوص نظارت دقیق داشته باشد و برخورد لازم در این راستا صورت گیرد. موضوع قاچاق مشروبات الکلی نسبت به دیگر قاچاق به دلیل این که قبح بیشتری داشته و در کشور به عنوان خط قرمز محسوب می‌شود و برخورد سختگیرانه‌تر است. برای برخورد با قاچاق مشروبات الکلی قوانین کاملی وجود دارد که از مهم‌ترین آن می‌توان به قانون مجازات اسلامی که موارد را به طور دقیق بررسی کرده است، اشاره کرد. مجازات قاچاق مشروبات الکلی داخلی و خارجی مشخص و سختگیرانه است. قاچاق خود مفهومی بین‌المللی دارد بنابراین فروش، ورود و مصرف و ساخت آن خود تعدد جرم است که قانون تشدید مجازات و قوانین سختگیرانه خاص را در این میان در نظر گرفته است.

نتیجه‌گیری

حرمت شرعی شرب خمر سبب جرم‌انگاری این عمل در قوانین جزایی ما شده است. ریشه این ممنوعیت نیز به این موضوع مربوط می‌شود که مسکرات بر هوشیاری و عقل انسان اثر می‌گذارد و انسان را در وضعیتی قرار می‌دهد که وقوع هر جرمی از وی محتمل است. مبارزه با مواد مخدر و مشروبات الکلی نیز به همین منظور انجام می‌شود. چرا که زوال عقل در نتیجه



شرب خمر پیامدهای زیانباری به دنبال دارد. بنابراین شرب خمر علاوه بر این که جرم است، می‌تواند زمینه وقوع جرایم دیگری را نیز به وجود بیاورد. جرم شرب خمر، یک جرم حدی است؛ به این معنا که شرایط و کیفیات این جرم و مجازات آن در شرع بیان شده و قانون‌گذار نیز این جرم و مجازات آن را از همین شرایط شرعی اقتباس کرده است. قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ نیز در قسمت حدود به این جرم و مجازات ناشی از آن پرداخته است. در مورد کشف و تعقیب این گونه جرایم بایستی گفت که تقریباً تمامی اعمالی که در رابطه با مشروبات الکلی، امکان وقوع آن وجود دارد، جرم است و مجازات دارد. این جرایم به دو دسته حدی و تعزیری تقسیم می‌شوند. نوشیدن مشروبات الکلی جرم حدی است اما سایر اقدامات از قبیل حمل، نگهداری، عرضه، فروش و... جرایم تعزیری هستند. این جرایم در صورتی که مشهود باشند، فوراً قابل تعقیب از سوی ضابطان دادگستری هستند. این در حالی است که امکان متوقف کردن یک خودرو برای تفتیش قسمت‌های مختلف آن به منظور پیدا کردن مشروبات الکلی وجود ندارد؛ مگر این که اجازه مخصوص و حکم قضایی برای تفتیش آن خودروی خاص وجود داشته باشد. بنابراین باید میان ارتکاب جرایم مشهود و غیر مشهود مربوط به مشروبات الکلی تفاوت قائل شد و فقط در جرایم مشهود است که ضابطان دادگستری اجازه انجام اقدامات لازم برای کشف جرم و تعقیب مجرم را دارند.



منابع و مأخذ

۱. ایمانی، ع.، ۱۳۸۸، فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری، تهران، نشر حافظ.
۲. اردبیلی، م.، ۱۳۹۳، حقوق جزای عمومی، تهران انتشارات میزان.
۳. توانا، ع.، ۱۳۸۶، قانون آئین دادرسی مدنی، قم، انتشارات حقوق اسلامی.
۴. جعفری هرنندی، م.، ۱۳۸۱، دو نکته راجع به قانون مجازات اسلامی: آیا نگهداری مشروبات الکلی از نظر فقهی جرم است؟، مجله‌ی وکالت شماره‌های ۱۲ و ۱۳.
۵. جعفری لنگرودی، م.، ۱۳۸۸، ترمینولوژی حقوق، تهران انتشارات گنج.
۶. جعفری لنگرودی، م.، ۱۳۹۳، مقدمه عمومی علم حقوق، تهران انتشارات گنج دانش.
۷. جعفری لنگرودی، م.، ۱۳۸۱، دانشنامه حقوقی، تهران انتشارات امیرکبیر.
۸. خالقی، ع.، ۱۳۹۴، آیین دادرسی کیفری، تهران، انتشارات شهر دانش.
۹. خالقی، ع.، ۱۳۹۳، نکته‌ها در آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، تهران، انتشارات شهر دانش.
۱۰. روبرت، و.، ۱۳۸۵، گسترش مصرف مشروبات الکلی و پیامدهای آن، مجله‌ی سیاحت غرب، شماره‌ی ۴۲، بهمن.
۱۱. رحمدل، م.، ۱۳۹۲، بار اثبات در امور کیفری، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۱۲. زمانی، ت.، ۱۳۸۲، مبارزه با جرایم مربوط به مشروبات الکلی، مجله‌ی گزارش، شماره‌ی ۱۴۶، اردیبهشت.
۱۳. زراعت، ع.، ۱۳۶۶، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، نشر داد.
۱۴. زکریا، ا.، ۱۳۵۰، معجم مقایس اللغة، تهران، مؤسسه الرساله.
۱۵. ساکت، م.، ۱۳۸۶، دیباچه‌ای بر دانش حقوق، تهران انتشارات ثالث.
۱۶. سراج‌زاده، ح.، و فیضی، ا.، ۱۳۸۶، عوامل اجتماعی مؤثر بر مصرف تریاک و مشروبات الکلی در بین دانشجویان، مجله‌ی مطالعات جامعه‌شناختی، شماره‌ی ۳۱، پاییز.



۱۷. شاهسواری، ع.، ۱۳۸۸، نگاه فقه به مسولیت کیفری، تهران، انتشارات فروزش
۱۸. شکوئی، ح.، ۱۳۸۷، اراده در حقوق ایران، تهران، انتشارات سمت.
۱۹. شامیاتی، ه.، ۱۳۹۴، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات مجد.
۲۰. شمس ناتری، م.، ۱۳۹۳، شرح قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات میزان.
۲۱. صالح، ص.، ۱۳۷۰، فرهنگ نهج البلاغه، تهران انتشارات اسلامی
۲۲. صالح ولیدی، م.، ۱۳۸۲، حقوق جزا مسؤولیت کیفری، تهران انتشارات امیرکبیر.
۲۳. صالح ولیدی، م.، ۱۳۹۲، شرح بایسته‌های قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تهران، انتشارات جنگل.
۲۴. صالح ولیدی، م.، ۱۳۷۴، حقوق جزای عمومی، تهران نشر داد.
۲۵. صالح ولیدی، م.، ۱۳۸۲، حقوق جزا مسؤولیت کیفری، تهران انتشارات امیرکبیر.

